

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۱۹۸ شهریور ماه ۱۳۹۵ - سپتامبر ۲۰۱۶

حضور هواپیماهای جنگنده روسیه در ایران، محاسبات تبهکارانه تجاوزگران امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را بر هم زد

مردم ایران از دادن پایگاه به دول بیگانه تجارب خوبی ندارند. امپریالیستها سالها کوشیدند تا از پیمان بغداد و سپس پیمان تجاوزکارانه سنتو و حضور ۵۰ هزار مستشاران نظامی آمریکائی با مصونیت قضائی در ایران، برای سرکوب مردم ایران، نقض استقلال ایران و تجاوز به خلقهای منطقه استفاده کنند. در راس این خیانتها، شاه این عامل دست نشانده امپریالیسم در منطقه به عنوان ژاندارم منطقه قرار داشت. انقلاب بهمن، علیرغم شکستش که به سلطه امپریالیسم در ایران خاتمه و شاه خائن و خودکامه را فراری داد، به جمعبدی از تجارب گذشته پرداخت و در اصل ۱۴۶ قانون اساسی آورد: "استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است". البته قانون اساسی جمهوری اسلامی نکات نانوخته ای دارد که بر اساس منافع اسلام تعیین می گردد و تفسیر این نکات به عهده ولی فقیه است که ابزار حکم حکومتی را در دست دارد. این است که درگیری حقوقی در این عرصه، روشنگر هیچ رویدادی نیست. مسئله را باید صرفاً سیاسی ارزیابی کرد. در ۳۱ ماه مرداد ۱۳۹۵ مطبوعات جهان خبر دادند که هواپیماهای جنگنده روسی از پایگاهی در غرب ... ادامه در صفحه ۲

المپیک صحنه ای برای رقابتهای سیاسی غارتگران و فریب مردم

المپیک سی و یکم در کشور برزیل، در شهر ریو دو ژانیرو برگزار شد. در آستانه برگزاری این المپیک با رویای رقابتهای سالم ورزشی در سطح جهانی، جنگ تبلیغاتی سیاسی زنده ای، میان امپریالیستها در گرفت. بر اساس اسناد گزینشی که پژوهشگران آلمانی با سیاست منفرد کردن رقیب روسی خویش در همه عرصه ها منتشر کردند، دستگاه فاسد ورزشی روسیه در گنداب استفاده از مواد توانساز غرق است و سالها به صورت سازمان یافته ورزشکاران روسی را در میدانهای ورزشی با این مواد تغذیه می کرده است. به این جهت هجوم تبلیغاتی عظیمی علیه روسها و افشاء اقدامات آنها انجام پذیرفته است، تا برای "پاکیزه کردن محیط ورزش" مانع شرکت ورزشکاران روسیه که بسیاری رکورددار جهان هستند، در مسابقات المپیک شوند. البته حمله به المپیادهای برگزار شده در روسیه، داستان طولانی دارد و هربار به بهانه "پاکیزه نگهداشتن محیط ورزش"، روسها آماج یورش قرار می گیرند تا سیاست منفرد کردن روسیه در رقابت با سایر امپریالیستها کامل شود... ادامه در صفحه ۳

کمونیست‌ها وارثان تکامل در جنبش کمونیستی اند

در گزارش پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان) چنین می‌خوانیم: «حزب کار ایران (توفان) خاطر نشان ساخت که حزب ما وارث سنت‌های جنبش کمونیستی ایران، حزب توده ایران تا موقعی که به مارکسیسم - لنینیسم وفادار بود، سازمان مارکسیستی- لنینیستی توفان تا به امروز می باشد.»
به عبارت دیگر ما همواره چه در عرصه تفکر و چه در عرصه عمل خویش، خود را بخش جداناپذیری از جنبش کمونیستی جهانی از آغاز آن، از ظهور چهره‌های درخشان مارکس و انگلس و سپس لنین و استالین و جنبش‌های اجتماعی، سیاسی ناشی از این تداوم و تکامل مبارزه می‌دانیم؛ و نه تنها می‌دانیم، بلکه عملاً نیز ادامه دهنده این جنبش هستیم. این بار نیز بدان معنی است که تمام جریانات انحرافی که در درون و یا بیرون این جنبش به وجود آمده و عمدتاً خود را تحت لوای دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و با پرچم مارکسیستی، سوسیالیستی، کمونیستی (چه کارگری و چه غیر آن) عرضه داشته اند و با مبارزه قاطع رهبری مارکسیستی- لنینیستی (تحت رهبری لنین و یا استالین) به موزه تاریخ روانه ... ادامه در صفحه ۴

قطعه‌نامه کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

پیرامون مسئله ملی در ایران

یکم اینکه - میهن ما ایران کشور است چند ملیتی. به این معنی که همه مردم کشور ما از ملت واحد نبوده، بلکه ملت های گوناگونی را تشکیل می دهند که مشترکاً در مرزهای واحد جغرافیائی ایران قرن‌ها زندگی می کنند. تعیین چگونگی مناسبات میان این ملت ها مضمون مسئله ملی در کشور ماست.
دوم اینکه - ستم ملی که در کشور ما نسبت به ملت‌های اقلیت اعمال می شود و تظاهر عمده آن در اعمال فشار بر زبان ملی در عرصه آموزشی است، فقط زائیده رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیست. این ستم از دوران رژیم ارتجاعی پهلوی و دست نشانده امپریالیسم وجود داشته و یگانه راه برانداختن ستم ملی همواره تکیه بر وحدت همه ملت‌ها یا خلق‌های ایران، مبارزه متشکل و متحد همه آنها برای سرنگون ساختن حکومت مرکزی و استقرار حکومت نوین تعریف شده است. در شرایط کنونی تنها راه رهائی از این ستم و حل مسئله ملی فقط در مقیاس مبارزه علیه حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی و مخالفت با هرگونه دخالت خارجی و تلاش برای استقرار سوسیالیسم است که معنا پیدا می کند.
سوم اینکه - حکومت‌های مرکزی در ایران همواره ... ادامه در صفحه ۶

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

حضور هواپیماهای جنگنده روسیه...

ایران (همدان) به مواضع تروریستهای داعش در سوریه حمله کرده اند. این خبر مانند بمب در غرب منفجر شد. گرچه دولت‌مردان غربی تلاش کردند خون‌سردی خویش را حفظ کنند و این را امری عادی جلوه دهند، ولی قدرت انفجار این بمب بیشتر از آن است که به شهر حلب محدود شود. قدرت انفجار این بمب همه بمبهای تروریستهای همدست امپریالیستها در کشورهای ناتو را، تحت الشعاع قرار داد و این را همه امپریالیستهای متجاوز غربی به خوبی می‌دانند.

متعاقب این خبر عده ای از نمایندگان مجلس از حکومت وقت در ایران توضیح خواستند و برخی آنرا مغایر قانون اساسی ایران دانستند. آقای بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بیان کرد: "پرواز هواپیماهای روسی از همدان بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی است". علاءالدین بروجردی با اشاره به موضوع همکاری نظامی ایران و روسیه برای استفاده از پایگاه هوایی همدان اظهار داشت: "آنچه که در پایگاه نوزده همدان رخ می‌دهد پرواز هواپیماهای روسیه است که بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و در چارچوب همکاری های چهارجانبه ایران، روسیه، سوریه و عراق است. این همکاری با مصوبه شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود و مغایرتی با قانون اساسی ندارد، چرا که پایگاه هوایی همدان نه پایگاه روسی شده و نه جنگنده ای در پایگاه نوزده مستقر شده است". به سخن دیگر شورای امنیت ملی حق استفاده گزرا را در شرایط کنونی و یا در آینده برای ناوگان هوایی روسیه محفوظ داشته است.

البته می‌شود بحث در مورد زمینه حقوقی و آگذاری پایگاه نظامی به بیگانه را حتی به صورت گزرا منتها ادامه داد و در پای تفسیرهای گوناگون از منافع اسلام سالها ذکر گرفت، ولی این درگیری های حقوقی به مشکل سیاسی منطقه پاسخی نخواهد داد و امپریالیسم جهانی از تکه تکه کردن منطقه و حمایت از تبهکاران القاعده، داعش و النصر و اپوزیسیون خودفروخته سوریه و یا ایران دست بر نخواهد داشت. مسئله استفاده کنونی امپریالیسم روسیه از پایگاه نوزده را باید در چارچوب سیاسی روز، بطور مشخص و بر اساس منافع راهبردی خلفهای منطقه از جمله ایران مورد ارزیابی قرار داد. به نظر حزب ما بحث حقوقی در این زمینه محلی از اعراب ندارد و بحثی گمراه کننده است.

امپریالیسم آمریکا در پی طرح استقرار خاورمیانه بزرگ و برهم زدن جغرافیای سیاسی منطقه با یاری صهیونیسم است. امپریالیسم آمریکا با همدستی یارانش در منطقه دریائی از خون ایجاد کرده، ممالک را برهم ریخته، میلیونها نفر را به قتل رسانده و میلیون ها نفر را آواره کرده است و هنوز نیز به سیاستهای جنگ طلبانه و آدمکشانه خویش در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن و... ادامه می‌دهد و از تبهکاران داعش و نیروهای تجزیه طلب سوریه برای نابودی سوریه، با تمام قوا به اشکال گوناگون در عرصه های نظامی، حقوقی، تبلیغاتی، مالی، و اخیرا "انساندوستانه" و... حمایت می‌کند. امپریالیستها به رهبری آمریکا ۵ سال آزار، تمام اسلحه، وسایل نقل و انتقال، اطلاعات ماهواره ای، خدمات تدارکاتی و بهداشتی و پزشکی داعش را با همدستی ناتو، ترکیه، عربستان سعودی، کویت، قطر و همه دارو دسته های ارتجاعی امارات

متحده عربی تامین کردند، ولی درمقابل مقاومت ملت‌های عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و یمن کاری از پیش نبرده اند. سیاست امپریالیسم تقویت تروریسم، نقض حقوق دولتهای ملی و نقض آشکار حقوق بشر است. این سیاست، سیاست خون و آتش است و باید این خونخواری و تبهکاری را متوقف نمود، در غیر این صورت آتش بی خانمانی و تخریب و فقدان امنیت دامن تمام منطقه را می‌گیرد. تلاشهای ارتش دست پرورده داعش برای خرابکاری در ایران از طریق مرزهای ترکیه، عراق و پاکستان و حمایت حامیان آنها، تا کنون با شکست کامل روبرو بوده است.

آمریکا که از حضور هواپیماهای جنگنده روسی شگفت زده و خشمگین شده بود، طبق معمول به دروغ مدعی شد که این اقدام مغایر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است. نشریه روسی اسپوتنیک در تمسخر آقای جان کری وزیر امور آمریکا نوشت خوب است: "همچنین طرف آمریکایی آگاهی بیشتری از قطعنامه شورای امنیت کسب کند که در آن دریافت اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای فروش، تحویل یا استفاده از هواپیماهای جنگی برای ایران مورد اشاره قرار گرفته است". این نشریه به نقل از سخنان کوناشنکوف گفت: "ضمنا به نمایندگان وزارت امور خارجه (آمریکا) بار دیگر توصیه می‌کنم با مداد در نقشه جغرافیا علامت بزنند و برای خود مشخص کنند که سوریه کشوری مستقل است. وی همچنین به نبود قطعنامه شورای امنیت و یا اجازه دولت سوریه برای بمباران سوریه توسط آمریکا اشاره کرد."

هواپیماهای امپریالیسم آمریکا نه تنها بدون اجازه دولت رسمی بشار اسد به بمباران در مناطق شمال سوریه بر ضد مخالفان آمریکا مشغول است، حتی مستشار و نیروی زمینی نیز برخلاف منشور ملل متحد برای تلاشی و تجزیه سوریه در بعد از شکست داعش و برای حمایت از اسرائیل، وارد خاک سوریه کرده است و به خرابکاری اشتغال دارد. ارتش آمریکا که تا دیروز با حمایت از داعش به قتل عام کردهای شمال سوریه مشغول بود، بیکباره نقاب "حامیان خلق کرد سوریه" را به چهره زده است تا همان سیاست سابق را با اشکال جدید اجراء کند. جالب این است که کردهای سوریه که در کنار ارتش ملی سوریه بر ضد امپریالیسم، عثمانی بزرگ و بان اسلامیسیم می‌جنگیدند، بیکباره فریب امپریالیسم آمریکا را خورده و به همدست آنها بدل شده و با خوشحالی در انتظار دریافت حق تعیین سرنوشت خویش از دست اوباما هستند و بر ضد تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه به عنوان چماق بزرگ امپریالیسم در شمال سوریه عمل می‌کنند. ناسیونال شونیسیم فقط نابینائی و نفرت ملی تولید می‌کند و مانند خنجری از پشت است.

این روشن است که امپریالیسم آمریکا از وضعیت جدید سیاسی در منطقه به شدت خشمگین باشد. نشریه نیویورک تایمز با دغدغه خاطر نوشت: "استقرار بمب افکن های روس در ایران خطرناک است!". نیویورک تایمز حقیقت را می‌گوید. استقرار این بمب افکنها هم برای آمریکا، هم برای اسرائیل، هم برای عربستان سعودی و هم برای داعش و هم برای همه متحدان جدید آمریکا در منطقه خطرناک است. آنها باید از این امکان جدید بالقوه بهرسانند و حساب کار خویش را بکنند. همین نشریه اضافه می‌کند: "تحلیلگران بر این باورند که استقرار جنگنده های روسیه در همدان، نفوذ

سیاسی مسکو در خاورمیانه را گسترش خواهد داد و همکاری فزاینده منافع میان مسکو و تهران را سرعت خواهد بخشید".

اهمیت این همکاری گذرای نظامی ایران و روسیه در پروازهای جنگنده های روسی از پایگاه نوزده، برای آزادی سوریه، برای نابودی داعش که می‌خواستند، آنها را به ایران صادر کنند، نیست، بلکه در این است که توازن قوای سیاسی و نظامی را در منطقه به صورت راهبردی و ریشه ای برهم می‌زند و یک سیاست راهبردی تعیین کننده در منطقه است. این همکاری برخی تابوها را شکسته و زمینه توافقات نظامی بعدی را فراهم می‌آورد. دیگر صهیونیستهای اسرائیل نمی‌توانند به راحتی ایران را به حملات تجاوزکارانه تهدید کنند، دیگر روسای جمهور آمریکا نمی‌توانند با خودپرستی و غرور امپریالیستی بدون پرده پوشی مدعی شوند: یا نوکر و دست نشاندۀ ما و یا روی میز آنها قرار دارند، دیگر عربستان سعودی نمی‌تواند با اشاره آمریکا و توافق صهیونیسم و همدستی با اسرائیل مدعی شود که می‌خواهد سر مار ایران را بکوبد و ایران را با خرید مبالغ عظیم تسلیحات نظامی از امپریالیستها و رقابت در عرصه تولید اضافی نفت، نابود سازد. این تاکتیک حسابگرانه روسیه و ایران چه گذرا و چه دائمی تمام محاسبات سیاسی منطقه را برهم زده است. ایران دوست امپریالیسم روسیه نیست و هیچوقت نبوده است، ترکیه ی مشکوک و نامطمئن نیز هیچگاه دوست روسیه نبوده است، ولی سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم با منطق "یا نوکر ما و یا جنگ با شما"، کار را در منطقه و حتی اوکراین به جانی رسانده است که زمزمه "اتحاد بزرگ" روسیه، ایران و ترکیه، در فضای ذهنی عمومی، در راه است. پوتین به رهبری امپریالیسم ضعیف روس از واقعبینی و نرمش سیاسی و آفری برای ارزیابی از اوضاع جهان برخوردار است. امپریالیسم آمریکا که تصور می‌کرد با قدری می‌تواند همه خلقهای منطقه را به اسارت خود در آورد، حال در منجلابی که متحدانش از جمله ترکیه و عربستان سعودی در منطقه ایجاد کرده اند، دست و پا می‌زند و نمی‌داند خودش را چگونه از یمن و سوریه بیرون بکشد. عربستان سعودی با کشتار مردم یمن از شیعه گرفته تا سنی کار را به جانی رسانده است که در این قمار سیاسی، هستی آل سعود را به خطر انداخته و به قمار بزرگی از روی سفاقت و خودپسندی سیاسی و رویای سرکردگی در منطقه دست زده است. آنها نه تنها در سوریه شکست خورده اند، نه تنها در یمن شکست خواهند خورد، نه تنها روسیه را بر ضد خود تحریک کرده اند، نه تنها با نزدیکی با اسرائیل آبروی خویش را در نزد خلقهای عرب از بین برده اند، حتی متحدان خویش نظیر ترکیه و بسیاری ممالک اروپا را نیز از دست داده اند. با زور دلارهای نفتی نمی‌شود ارتشهای اجیر و استعماری و سرکوبگر به یمن فرستاد و اوضاع منطقه را مشوب کرد.

هم اکنون موشکهای روسی نوع اسکاد شهرهای هم مرز یمن عربستان سعودی را هدف خود قرار داده است و به برتری هوایی عربستان و متحدانش خاتمه می‌دهد. عربستان باید آماده جنگ زمینی بر ضد پارتیزانهای با تجربه و جنگجوی یمن شود که سالها بر ضد قوای خارجی مبارزه کرده و در این عرصه تجربه دارند. نزدیکی سیاسی و استراتژیک ایران و روسیه و استفاده روسیه از پایگاههای هوایی ایران در... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

حضور هواپیماهای جنگنده روسیه...

حتی به صورت گذرا، احتمالا سرآغاز نزدیکی نظامی بیشتری است و این تمام محاسبات امپریالیسم غرب در حمله به ایران و نقض استقلال ایران را برهم می زند. امپریالیستها هر چقدر داعش و اپوزیسیون ایرانی تریبونال لندن را که متحد عربستان سعودی و دادگاه کیفری لاهه هستند، تقویت کنند، قادر نخواهند بود، علیرغم وجود رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، مردم ایران را به همکاری با داعش و خیانتکاران ضد وطن برای نابودی ایران وا دارند. سرنوشت فلاکت آور مجاهدین خودفروخته و ضد خلق در مقابل ماست. برخورد به مسئله استفاده از پایگاههای نظامی ایران، به صورت گذرا، توسط حتی امپریالیسم روسیه را، باید در متن واکنش طبیعی ایران نسبت به تهدیدات بیکران آمریکا، تبلیغات ریاکارانه و دروغگوئی ها، خلف وعده های آنها و ادامه تهدیدات این کشور دید که دیگر برای خودش چاره ای نمی بیند تا از استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل تبهکاران متجاوز جهانی، به دفاع برخیزد. تمام تلاش دولتهای قبلی و فعلی، به ویژه روحانی برای نزدیکی به آمریکا با شکست کامل روبرو شد و آنها از تهدید و تجاوز و دروغ در منطقه دست برنداشتند. پیدایش وضعیت جدید در منطقه به نفع ممالک منطقه، به نفع ایران، سوریه، لبنان، عراق، یمن و حتی ترکیه خواهد بود، تا از پان ترکیسم، پان عثمانیسم و پان اسلامیسم و حمایت از داعش دست بردارد. مناسبات سیاسی کشورهای منطقه در حال دگرگونی جدی میباشد. امارات متحده عربی و عربستان و متحدان آنان به سمت تلاشی پیش می روند و ناچارند موقتا از تحریکات علیه ایران دست بردارند. مردم یمن از حالت دفاعی به مرحله یورش روی می آورند و تخت و تاج آل سعود متزلزل می شود. منطقه آستان حوادث فراوان است، ولی این تحولات فعلا در جهت مثبت به نفع استقلال، تمامیت ارضی و امنیت منطقه پیش می رود. تصمیم دولت چین برای حمایت از دولت مشروع و قانونی سوریه و مبارزه با داعش آمریکائی و همدستانشان، اقدامی در جهت صلح و حمایت از منشور ملل متحد است. این همکاری که با توافق دولت کنونی و مشروع سوریه، صورت می گیرد، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی دارای اهمیت فراوان است. حزب کار ایران (توفان) در چارچوب مصوبات کنگره پنجم خویش که تضعیف امپریالیسم متجاوز ناتو را در شرایط مشخص کنونی به نفع صلح و آسایش مردم جهان ارزیابی می کند و از حقوق ملل، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آنها در مقابل تجاوز آمریکا که با دروغپردازی و ریاکاری همراه است، حمایت می نماید، این سیاست را بطور عینی مفید و به ضرر امپریالیسم مسلط و تجاوزکار در جهان می داند.

المپیک صحنه ای برای...

این دستاویزها، زمانی کاملا رنگ سیاسی دارد و زمانی نیز "بیرنگی" سیاسی آنرا، رنگ ورزشی می زنند. در عرصه این کارزار سیاسی-تبلیغاتی-ورزشی، آمریکا، انگلیس و آلمان بر دیگران سبقت می گیرند. در رویداد اخیر فشار به مقامات ورزشی جهانی به اندازه ای بود که اتخاذ تصمیم قطعی یا به تاخیر می افتاد یا از مرجعی به مرجع دیگر پاس داده می شد.

هدف این بود تا مقامات مربوطه را وادار کنند، به هر قیمت از ورود ورزشکاران روسیه به میدانهای رقابتهای ورزشی جهان جلوگیری کنند تا ورزشکاران خودی مدالهای طلای المپیک را درو نمایند. این شیوه کثیف مدعیان دموکراسی و ورزش سالم، کثیفتر از استفاده نامشروع ورزشکاران روسی با یاری حمایت دولتی از مواد توانساز است. مشتکی دزد با فریاد دزد را بگیر به میدان آمده اند تا دزدی های خویش را بپوشانند.

رئیس دانشگاه، همراه با استادان بخش پزشکی مربوط به امور ورزشی از تحقیقاتی که توسط مسئولان دانشگاهی در امور مربوط به کشف و اختراع داروهای توانبخش و دستکاری شده انجام می شده است، کاملا با خبر بوده اند. یک دانشگاه دولتی که بودجه آنرا دولت پرداخت می کند، تمام هم و غم خود را بر این قرار داده است که با تقلب و فریبکاری و استفاده از حرص انفرادی برای کسب مزایای اقتصادی و خودنمایی ورزشکاران، جوایز و مدالهای المپیک و رقابتهای ورزشی جهان را نصیب ورزشکاران کشور خاصی کند، تا این کشور بتواند در جهان به ورزشکاران خویش ببالد، به دنیا فخر بفرشد، از نفوذ سیاسی و معنوی برخوردار شود و دکان دو نیش در چهار راههای رقابتهای جهانی و نژادی و سیاسی و اقتصادی بگشاید.

به پیشنهاد مقامات ذینفع، کلینیکی جداگانه برای این منظور ساخته می شود که مخارج ساختمان آن ۱۰ میلیون یورو در سال ۱۹۷۰ بوده است. مبلغ ۶۰ درصد این مخارج را دولت مرکزی و ۴۰ درصد باقیمانده را دولت ایالتی و شهرداری منطقه ای تقبل کرده اند.

مسئولان پزشکی بخش ورزشی، توسط داروهای توانبخش خویش، تیم فوتیبال جهانی را با داروهای توانساز به صورت هرکولهای با پشتکار و دوده های خستگی ناپذیر صحنه های فوتیبال در آورده، و آنها را از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهنمون شده اند. وقتی سرانجام پرورنده این تقلبات در یک دانشگاه رسمی دولتی بر ملا شد، دانشگاهی که با جان ورزشکاران بازی می کرده است، یکی از مطلعان بیان کرد:

"تجربه به من در اینجا نشان داد که موارد استفاده از دوپینگ به صورت عالی سازماندهی شده اند و سازماندهی برقراری سکوت مطلق، با موفقیت پیشرفته است."

کنسرها و شرکتهای بزرگ از این ورزشکاران ساختگی، برای تبلیغات محصولات خویش استفاده می کردند و می کنند و مردم جهان را با توصیه های آنها در استفاده از کالاها و یا تغذیه مواد خوراکی فریب می داده اند و می دهند. به این ترتیب ورزش وسیله شستشوی مغزی قرار می گیرد.

اشتباه نکنید، ما در اینجا با حمایت دستگاه دولتی روسیه و پوتین برای این تقلب هدف این بود تا مقامات مربوطه را وادار کنند، به هر قیمت از ورود ورزشکاران روسیه به میدانهای رقابتهای ورزشی جهان جلوگیری کنند تا ورزشکاران خودی مدالهای طلای المپیک را درو نمایند. این شیوه کثیف مدعیان دموکراسی و ورزش سالم، کثیفتر از استفاده نامشروع ورزشکاران روسی با یاری حمایت دولتی از مواد توانساز است. مشتکی دزد با فریاد دزد را بگیر به میدان آمده اند تا دزدی های خویش را بپوشانند.

رئیس دانشگاه، همراه با استادان بخش پزشکی مربوط به امور ورزشی از تحقیقاتی که توسط مسئولان دانشگاهی در امور مربوط به کشف و اختراع داروهای توانبخش و دستکاری شده انجام می شده است، کاملا با خبر بوده اند. یک دانشگاه دولتی که بودجه آنرا دولت پرداخت می کند، تمام هم و غم خود را بر این قرار داده است که با تقلب و فریبکاری و استفاده از حرص انفرادی برای کسب مزایای اقتصادی و خودنمایی ورزشکاران، جوایز و مدالهای المپیک و رقابتهای ورزشی جهان را نصیب ورزشکاران کشور خاصی کند، تا این کشور بتواند در جهان به ورزشکاران خویش ببالد، به دنیا فخر بفرشد، از نفوذ سیاسی و معنوی برخوردار شود و دکان دو نیش در چهار راههای رقابتهای جهانی و نژادی و سیاسی و اقتصادی بگشاید.

به پیشنهاد مقامات ذینفع، کلینیکی جداگانه برای این منظور ساخته می شود که مخارج ساختمان آن ۱۰ میلیون یورو در سال ۱۹۷۰ بوده است. مبلغ ۶۰ درصد این مخارج را دولت مرکزی و ۴۰ درصد باقیمانده را دولت ایالتی و شهرداری منطقه ای تقبل کرده اند.

مسئولان پزشکی بخش ورزشی، توسط داروهای توانبخش خویش، تیم فوتیبال جهانی را با داروهای توانساز به صورت هرکولهای با پشتکار و دوده های خستگی ناپذیر صحنه های فوتیبال در آورده، و آنها را از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهنمون شده اند. وقتی سرانجام پرورنده این تقلبات در یک دانشگاه رسمی دولتی بر ملا شد، دانشگاهی که با جان ورزشکاران بازی می کرده است، یکی از مطلعان بیان کرد:

"تجربه به من در اینجا نشان داد که موارد استفاده از دوپینگ به صورت عالی سازماندهی شده اند و سازماندهی برقراری سکوت مطلق، با موفقیت پیشرفته است."

کنسرها و شرکتهای بزرگ از این ورزشکاران ساختگی، برای تبلیغات محصولات خویش استفاده می کردند و می کنند و مردم جهان را با توصیه های آنها در استفاده از کالاها و یا تغذیه مواد خوراکی فریب می داده اند و می دهند. به این ترتیب ورزش وسیله شستشوی مغزی قرار می گیرد.

اشتباه نکنید، ما در اینجا با حمایت دستگاه دولتی روسیه و پوتین برای این تقلب

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

توانند پس بگیرند. ... ادامه در صفحه ۴

المپیک صحنه ای برای ...

این روش در مورد همه ورزشکاران "هرکول شده" صادق است. این "هرکول"ها که از آنها ارزشهای دنیای ورزش امپریالیستی می سازند، باید برای جوانان این ممالک سرمشق های نمونه باشند. این "هرکول"ها فقط روسی و چینی نیستند، "عضو پیمان ناتو" نیز می باشند. دولت آمریکا این محدودیت را برای ماموران نظارت بر استفاده دوپینگ ایجاد کرده است که آنها حق ندارند ورزشکاران آمریکائی را بدون اطلاع قبلی آزمایش کنند. برای انجام آزمایش باید از سه ماه قبل، تاریخ آزمایش را به آنها اطلاع دهند تا آنها خود را برای آزمایش دوپینگ آماده گردانند. گرچه این محدودیت همه دانسته که سرپوشی بر استفاده دوپینگ از طرف ورزشکاران آمریکائی به شمار می آید، ولی رسانه های غربی جرات ندارند بر ضد آن اعتراض کنند. زیرا همه این دستگاههای عریض و طویل المپیک از فشار و تهدید آمریکا می ترسند. آمریکا با گردن کلفتی و دستکاری توان ورزشکاران، یکی بعد از دیگری مدالهای المپیک را درو می کند. برخی از قهرمانان آمریکائی در رشته دو و میدانی به آنچنان رکوردهای جهشی و غیر قابل تصویری دست پیدا می کنند که فقط موجبات پوزخند ورزشکاران سالم را فراهم می آورند. این است سرنوشت شوم نقش امپریالیسم در ورزش و محیط کثیفی که ایجاد کرده اند و مانع می شوند تا ممالک وابسته و ضعیف با امکانات و نفوذ کم خویش به رتبه های بزرگ ورزش دست پیدا کنند.

حملاتی که امروز به روسیه انجام می گیرد، نه به خاطر دوپینگ است، که همه ممالک امپریالیستی و صهیونیستی از آن استفاده می کنند، بلکه به خاطر رقابتها و تیبانی های جهانی و تلاش برای منفرد کردن این امپریالیسم ضعیف است. امپریالیستهای غرب که روسیه را به بازی نمی گرفتند، حال ناچارند در سوریه و اوکراین، در ایران و خاور میانه و در آمریکای لاتین وی را به حساب آورند و سهم وی را منظور دارند. شکست سیاستهای توسعه طلبانه ناتو به ویژه آلمان در اوکراین و ترکیه و سوریه واکنشی ایجاد کرده است که روسیه را در عرصه ورزشی با بیرون کشیدن "زیرپوشهای کثیف" دوپینگی به مصاف به طلبد و حداقل در این عرصه پیروز شود.

ورزش همواره یک عرصه سیاسی مبارزه طبقاتی و رقابتی امپریالیستی بوده و باقی خواهد ماند. امپریالیستها در المپیک یازدهم در برلن که آنرا "المپیک صلح" می نامیدند، به حمایت از هیتلر پرداختند. ورزشکاران ایتالیائی و فرانسوی و متحدان هیتلر با سلامهای نازی از مقابل هیتلر رژه رفتند، تا نقاب صلح به چهره این جنایتکار بشری بزنند و وی را تظهير کرده و مردم جهان را فریب دهند. **توماس مان نویسنده بزرگ انساندوست**، در طی بیانیه ای از

روسای همه ممالک شرکت کننده خواست، در این المپیک جنگ افروزانه و ضد بشر شرکت نکنند که آغاز فاجعه برای بشریت است. تنها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به رهبری استالین این المپیک جنگ افروزانه را که زیر نقاب "صلح طلبی" برای فریب مردم و با صحنه سازی و همدستی سایر امپریالیستها و با تبلیغات ضد بلشویسم برای آماده کردن تجاوز به شوروی صورت می گرفت، تحریم کردند و در آن شرکت نمودند. ریاکارانی که امروز از دوپینگ می نالند در آن روز سرمست باده پیروزی هیتلر در جنگ آتی با سوسیالیسم بودند برای هیتلر آرزوی موفقیت داشتند.

کارگران در گذشته میان خویش رقابتیهای رفیقانه برگزار می کردند تا روح دوستی و صمیمیت میان خلقها و زحمتکشان را تبلیغ نموده و ماهیت طبقاتی متمایز رقابتیهای دوستانه و دشمنانه و کینه توزانه را از هم تفکیک کنند. **برای کارگران و کمونیستها رقابتیهای ورزشی باید رفیقانه و در خدمت دوستی میان مردم و نه کینه توزی ملی گرایانه کور باشد و منبعی برای نفرت و جنگ ایجاد نماید.** باشگاههای ورزشی کارگران جهان در سال ۱۹۲۵ در فرانکفورت، و در سال ۱۹۳۱ در وین، در سال ۱۹۳۶ در بارسولونا به عنوان "المپیک خلق" که با آغاز جنگ داخلی با هجوم سلطنت طلبان خون آشام، خاتمه یافت و در ۱۹۳۷ در آنتورپن در هلند با پرچم "ضد جنگ و دیکتاتوری برای کار، آزادی و دموکراسی" به میدان آمدند و المپیکهای دوستی خلقها و کارگران را برپا کردند.

بیش از نیم میلیون نفر مردم جهان بر این بازیها نظارت می کردند. برای نخستین بار کارگران در بخش جشن فرهنگی با شرکت چند هزار نفر، نمایش هنری پیدایش نظام سرمایه داری، استعمار کارگران، پیدایش سوسیالیسم و نابودی نظام سرمایه داری را، در المپیک وین برگزار کردند. المپیک چین و بریتانیا که در خدمت تاریخ چین و بریتانیا بدون جنبه مبارزه طبقاتی آن بود، نسخه برداری ناشیانه ای از نمایش مبارزه طبقاتی کارگران در المپیک کارگری در شهر وین به حساب می آمد. المپیک کارگران در هلسنکی به خاطر جنایتکاری بورژوازی که رقابت را به عرصه های تسلیحاتی کشانید و جنگ جهانی دوم را با دوپینگ لیر و دلار آغاز کرد، نتوانست برگزار شود و بعد از جنگ نیز پیروزی سوسیالیسم در بخش بزرگی از جهان به رهبری رفیق استالین، پرچم المپیکهای کارگری را با حکومتیهای کارگری به دست گرفت که با خیانت رویونیستها به شکست انجامید.

امروز در المپیک برزیل به جای تکیه بر سنت مبارزه کارگران، نمایش "بشردوستانه" تیم پناهندگان را با مقاصد شوم سیاسی علم کرده اند. آنها به علل پیدایش پناهندگی که ناشی از جنگ، تروریسم، امپریالیسم و صهیونیسم است

کاری ندارند، ولی برای عوامفریبی، عده ای را که از آنها می توانند در عرصه جهانی سوء استفاده تبلیغاتی کنند، به عنوان پناهنده به راه می اندازند، تا تبلیغات سیاسی نموده و حتی میلیونها دلار برای قهرمان سازی پناهنده ها خرج می کنند. در میان این پناهندگان حتی یک نفر فلسطینی که طولانی ترین تاریخ پناهندگی را به دوش خود می کشد، و قربانی صهیونیسم بین الملل است وجود ندارد، ولی در عوض از پناهندگان سوری سخن می گویند که در مقابل نمایندگان ورزشی حکومت مشروع سوریه در رقابتیهای ورزشی شرکت می نمایند و بر ضد بشار اسد(بخوانید به نفع داعش-توفان) برای امپریالیستها رقاصی می کنند. و این شگرد جدید امپریالیستهاست که یک تیم قلابی در مقابل تیم مشروع هر کشوری که با آن موافق نیستند سر هم بندی کنند و به نقض حقوق مشروع کشورها و ملل حتی در عرصه ورزش بپردازند. اختراع این تیم پناهندگان در واقع حمایت از پناهنده ها نیست که آنها را به آتش می کشند و یا نظاره گر غرق آنها در دریاها هستند، بلکه ادامه همان سیاست تجاوزگرانه به حقوق ملتهاست که ما با نتایج آن در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و... روبرو هستیم. این پناهنده ها، دانسته و یا ندانسته به آلت دست سیاستهای امپریالیستها بر ضد مصالح میهن خویش تبدیل می شوند. برای حزب ما این عده یک تیم پناهندگی ورزشی نیستند که شاید در هیچ رشته ورزشی نیز تخصصی نداشته باشند، بلکه کاروان متخصص تبلیغاتی برای پیشبرد مقاصد سیاسی امپریالیستها می باشند. درست مانند آن می ماند که فردا با آدمهائی نظیر منصور آسانلو، "تیم کارگران ایران" را برای المپیک ورزشی علم کنند.

کمونیستها وارثان تکامل ...

شدند؛ در این تکامل جنبش کمونیستی نقش ترمز کننده و در نهایت ضد کارگری و ضد مارکسیستی را بازی کرده اند. متأسفانه بروز رویونیسم خروشچی در حزب کمونیست شوروی نه تنها به تصفیه کمونیستهای وفادار منتهی شد، بلکه امکانات وسیع بروز افکار انحرافی و نفوذ مجدد همه اپورتونیستها و خائنین به طبقه کارگر(از تروتسکیستهای اصیل و غیر اصیل تا منشویکهای رنگارنگ و اکونومیستهای جدید) را در ارگانهای رهبری حزب و دولت شوروی فراهم ساخت.

در صحنه جهانی حزب کمونیست چین تحت رهبری مائو و حزب کار آلبانی و در راس آن انورخوچه پرچم مبارزه با رویونیسم را برافراشتند. در عین حال کمونیستهای وفادار و احزاب کمونیستی جهان نیز در مسیر وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر و ایده آل کمونیستی روان گشتند.

در ایران حزب توده که زمانی به حق در رأس مبارزات ضد امپریالیستی و در جهت احقاق حقوق طبقه کارگر ایران و در... ادامه در صفحه ۵

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

کمونیستها و ارثان تکامل ...

جهت سوسیالیسم فعالیت می‌کرد، دچار رویزیونیسم گشت و به اردوگاه بورژوازی پیوست. سه رفیق از رهبری این حزب، سغانی، قاسمی و فروتن از حزب توده گسستند. پس از درگذشت سغانی، رفقا قاسمی و فروتن سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان را ایجاد کردند. بدین ترتیب سنت جنبش کمونیستی جهانی که زمانی حزب کمونیست ایران به رهبری تقی ارانی و سپس حزب توده ایران پرچمدار آن بودند، به دست سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ادامه یافت و اکنون حزب کار ایران (توفان) ادامه این تکامل است. حال هر آن کسی که خود را وابسته و پیوسته به این تکامل می‌بیند، هر آن کسی که خود را جزئی از این تکامل می‌بیند و هویت خویش را در آن می‌یابد؛ بخشی اگرچه کوچک از این جنبش جهانی است؛ بخشی که وارث سنت‌های این جنبش است.

زمانی که ما عبارت «وارث جنبش کمونیستی جهانی» را به کار می‌بریم، به تداوم و تکامل این جنبش معتقدیم و به آن می‌اندیشیم و هر فرد و یا گروه یا جنبشی که بار این تکامل طولانی و تاریخی را به دوش می‌کشد، وارث سنت‌های این جنبش است. **وارث، بیان تکامل و تداوم است.** و درست همین واژه و یا اصطلاح وارث است که گروهی از هواداران کمونیست (چه واقعی و چه غیر واقعی) را برانگیخته و به انواع گوناگون معترض اند. آن عده که با مارکسیسم - لنینیسم و تاریخ تکامل جنبش کمونیستی به ویژه از زمان انقلاب اکبر و رهبری لنین و یا حداقل از دوران ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری استالین سرسازگاری نداشتند و جنبش کمونیستی را در بهترین حالت تا زمان مارکس و انگلس در ساخته‌های ذهنی خویش خلاصه کرده و ثابت نگاه داشته‌اند؛ تکامل و تداوم کمونیسم را به طور ذهنی منکر گشته و آن را نوعی «انحراف» از مارکسیسم قلمداد می‌نمایند. اینان اما هرگز پاسخی بر این پرسش ندارند که چنانچه دوران پرافتخار ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری استالین در شوری در انطباق با مارکسیسم نبوده است، پس مارکسیسم و کمونیسمی که آنان به آن معتقدند در کجا تکامل یافته است؟ و اگر در هیچ کجا تکامل نیافته، علت این عدم تکامل و فرار «مارکسیسم» آنان از صحنه تاریخ چه بوده است؟

چگونه می‌توان تمام دست‌آوردها و موفقیت‌های شوری سوسیالیستی در زمینه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی همه را نادیده گرفت، پیروزی شوری سوسیالیستی را در جنگ میهنی بر نیروی فاشیسم جهانی به فراموشی سپرد، آن‌ها را «انحراف از مارکسیسم» قلمداد ساخت و در تاریخ‌خانه تاریخ به عبث در جستجوی چیزی دیگر، چیزی غیر استالینی و غیر لنینی، چیزی که شباهت با مارکس و انگلس «مهربان» آنان داشته باشد، چیزی نورفت؟ آیا این کوشش‌ها خاک در چشم توده‌های زحمتکش مردم افشاندن نیست؟

حتی از برخی هواداران مارکسیسم و مخالفین رویزیونیسم خروشچی نیز شنیده می‌شود که نسبت به واژه «وارث» حساسیت داشته و آن را غیر علمی و حتی بورژوائی و غیر مارکسیستی قلمداد می‌کنند. شاید حساسیت آنان از یکسان گرفتن وارث در ثروت و مال و منال جهان با وارث به مفهوم حلقه تکاملی و رشد جهان مادی و

توفان در توئیتر Toufanhezbkar حزب کار ایران (توفان) در فیس بوک

Toufan HezbeKar

facebook

Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. اما در قانون جوامع سرمایه‌داری این نوع وارث نیز قانون‌مندی خود را داشته و به اصل و نسب فئودالی و یا بورژوازی و به هر صورت صاحبان زر و زور باز می‌گردد و قانون قضائی نیز آن را تأیید می‌کند. در جوامع انسانی که مبارزات طبقاتی، اجتماعی و ملی همواره در حال حرکت پیدایش و رشد و مرگ خویش هستند نیز این مبارزات هویت و شخصیت‌های به دست‌آورده خویش را دارند و حامل آنند. طبقه کارگر دارای مبارزات صنفی و سیاسی خود است. زنان برای حقوق پایمال شده خود مبارزه می‌کنند و آن را از نسلی به نسل دیگر می‌سپارند. اینکه گذشت زمان و تغییر شرایط کهنه به نو، مهر خویش را بر هر حرکت اجتماعی از جمله جنبش جوانان و یا زنان، منجمله جنبش سیاسی طبقه کارگر (به خوان جنبش جهانی کمونیستی) می‌زنند و به آن‌ها رنگ و شکلی نو می‌دهند؛ و حتی از یک کشور به کشور دیگر صفات و تمایزهای ویژه خود را دارند، هیچ کدام در ماهیت و هویت آنان تغییری به وجود نمی‌آورند. مخالفان استعمال «وارثان یک جنبش» در واقع مخالفان تکامل، تکاپو و رشد پدیده‌ها بر اساس واحد ماهیت خویش‌اند.

معمولاً اکثر این گروه‌ها، اکثر مخالفان وحدت و تکامل در جنبش جهانی کمونیستی و اکثر نقزنان و ایرادگیران - حتی با حسن نیت هم که باشد - ادعای وارث در تکامل جنبش کمونیستی را وسیله حمله به وارثان این تکامل نموده و آنان را به انحصارگری متهم می‌سازند. تو گویی عدم انحصار یعنی تبدیل و تعویض در مارکسیسم و یا تکامل به ضد آن. اختلاط و التقاط همه جریان‌های گوناگون در یکدیگر است. تکامل همواره بر اساس رشد و تحول تضاد اساسی و درونی هر پدیده بر اساس تکامل و رشد ماهیت آن پدیده صورت می‌پذیرد. مدخول کردن ترسکیسم با مارکسیسم یعنی حذف مارکسیسم. التقاط ایدئولوژی‌های غیر و یا ضد مارکسیستی در درون جنبش کمونیستی یعنی اپورتونیسم و رویزیونیسم، یعنی پایان اعتلای کمونیسم و تبدیل آن به یک جریان بورژوازی سرمایه‌داری. حفظ هویت، اهداف و استراتژی عمومی جنبش کمونیستی و ادامه آن ربطی به انحصارگری ندارد. این اتهام تنها هدفی که دارد بازکردن در و دروازه دژ مارکسیسم به سوی حمله دشمن طبقاتی پرولتاریاست. وقتی ما واژه وارث جنبش کمونیستی را به کار می‌بریم، به تداوم و تکامل این جنبش معتقدیم و هر جنبش یا فردی که بار این تکامل را به دوش می‌کشد، وارث

سنت‌های این جنبش است. **وارث بیان تکامل و تداوم است.**

جنبش جهانی کمونیستی یک حرکت طبقاتی است برای رهایی طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان از قید استعمار. احزاب کمونیست متشکل در آن بر اساس مارکسیسم - لنینیسم شکل یافته‌اند و با ابزار سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژی منطبق با مارکسیسم - لنینیسم و همچنین تجربه اندوزی از سنت‌های تکاملی آن از آغاز پیدایش تاکنون وحدت خویش را حفظ می‌کنند. مارکسیسم - لنینیسم به درستی چراغ راهنمای این احزاب، چراغ راهنمای جنبش کمونیستی است. بدون برافراشتن پرچم علمی مارکسیسم - لنینیسم، بدون برافروختن این چراغ راهنما نمی‌توان مدام در مسیر تاریخی پرولتاریا گام برداشت. می‌توان علی‌رغم اعتقاد و کسب علمیت مارکسیسم، اینجا و آن جا اشتباه کرد، ولی نمی‌توان تکیه‌گاه محکم برای تداوم در مسیر و دامنه راه داشت و نتیجتاً به زودی به راه انحراف و بورژوازی کشیده خواهد شد. وارث در امر سوسیالیسم و جنبش کمونیستی یعنی داشتن چنین تکیه‌گاه ایدئولوژیک و سیاسی، یعنی شناسنامه هویت سیاسی که روال حرکت گذشته، حال و سیر آینده را ترسیم می‌کند. جنبش کمونیستی انحصاری نیست.

شناسنامه آن متعلق به هر کس است که در مسیر تکاملی این جنبش ۱۷۰ ساله قرار دارد. به آن متعلق است، از آن نیرو می‌یابد و خود را متعلق به آن می‌داند. حال چه در حزب واحد کمونیست متشکل است، چه بنا به هر دلیلی هنوز به آن نرسیده است. چه بنابر دلیل ذهنی و یا عینی دیگر به طرفداری و پشتیبانی ضمنی از جنبش کمونیستی کفایت می‌کند و در کنار آن از آن پشتیبانی می‌نماید و یا حتی هنوز نوجوان و یا کودکی بیش نیست. جنبش کمونیستی جهانی همانند یک زنجیر پیوسته، وابسته، همانند رودخانه‌ای واحد و پرخروشی است که در مسیر خود همواره رنگ و روئی تازه می‌یابد، ولی مدام یک حرکت واحد را ترسیم می‌سازد، یک رودخانه معین و مشخص و با یک نام روشن خویش است. همچنان که رودخانه در مسیر خود شاهد پیوستن جویبارها و رودهای کوچک، خویش است، جنبش جهانی کمونیستی نیز نیروی تازه‌ی خویش را از پیوستن مبارزان، رفقا و جریان‌های دیگر که به حقانیت این جنبش پی‌برده‌اند، کسب می‌نماید. همه خود را به امواج رشدیابنده این رودخانه می‌سپارند و به این سان وحدت تکامل یابنده جنبش را تقویت می‌سازند. روشن است که در شرایط بحرانی کنونی ما با امواج رشد یابنده این رودخانه روبرو نیستیم و دوران عقب نشینی موقت و تشتت فکری و سازمانی را می‌گذرانیم، ولی این نیز گذراست. همه کمونیست‌هایی که وارثان به حق این جنبش‌اند، وارثان دوران نفاذ و شکست آن نیز هستند. وارثان تداوم و تکامل این جنبش و پرچمداران مسیر آنند. همچنان که پیروزی‌ها و دوران قدرت جنبش کمونیستی از آن ماست، شکست‌ها و ضعف‌های آن نیز بخشی از جنبش کمونیستی و نهایتاً بخشی از ما، از کوله بار ما هستند. ما پرچمداران و وارثان تمام دوران جنبش جهانی کمونیستی هستیم. ما وارثان پستی‌ها و بلندی‌ها، همه شکست‌ها و موفقیت‌های این جنبش هستیم.

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

جریانهای برتری طلب ملی ناقض یک مبارزه ملی، روشن و ضد ارتجاعی است. همین واقعیت که این جریانهای ارتجاعی ناسیونال شونیستی حاضر نیستند مواضع ضد امپریالیستی اتخاذ کرده تجاوز امپریالیستها را به یوگسلاوی، عراق، افغانستان، فلسطین، لیبی، سوریه و .. محکوم کنند و یا تحریم ایران را غیر قانونی و جنایتکارانه بدانند، بهترین نشانه آلوده بودن این جریان است. باید روشن کرد که در ایران همه مردم و زحمتکشان، تحت ستم مناسبات سیاسی و اقتصادی سرمایه داری بوده و مثنی مافیای بروکرات مستقل از تعلقات ملی به همه ایرانیان ستم وارد می کنند. گام نخست برای رفع هرگونه تبعیض و ستم، سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است. در دوران جهانی شدن سرمایه و کمرنگ جلوه دادن ارزش مرزهای جغرافیایی و تهاجم سرمایه امپریالیستی و تهاجم قدرتهای متجاوز و اشغالگر امپریالیسم-صهیونیسم حزب ما اعلام می کند که:

ما تنها از آن نیروهای حامی حق تعیین سرنوشتی در ایران پشتیبانی می کنیم، که علاوه بر مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بر ضد امپریالیسم، بر ضد صهیونیسم، علیه استعمار جهانی و بر ضد هر گونه دخالت خارجی در ایران نیز بپردازد.

تضعیف وحدت همه ملت‌های ایران در پیکار مشترکشان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری

اسلامی و در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی به هر عنوان که باشد خیانت به منافع انقلاب آتی ایران است.

نتیجه اینکه : ادامه ستم ملی به ویژه در عرصه فرهنگی که در زمان حاضر زانیده حکومت ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی است با بر افتادن آن و پیروزی انقلاب سوسیالیستی کاملاً قطع شده و طبقه کارگر مسئله ملی را که یک مسئله دمکراتیک است، براساس وحدت داوطلبانه و به رسمیت شناختن تساوی کامل حقوق کلیه ملت‌های ایران حل خواهد کرد و جز این نیز نخواهد بود.

ابزارهای نفوذی استعماری ...
در عرصه اقتصادی از طریق نهاد "سازمان تجارت جهانی" و شرایط عضویت در این سازمان انجام می دهد که به بازدارندگی پیشرفت این ممالک منجر شده تا در آینده رقیبی برای امپریالیسم آمریکا نشوند. "تجارت آزاد" همان نیروی راهزنان دریائی است که از مرزهای ملی گذر کرده و گمرکات را در دست گرفته، هرچه کالای بنجل است به بازار داخلی وارد نموده و هر چه کالای با ارزش است رایگان از کشور خارج می کند و مقاومت مردمی را با خریدن مثنی خود فروخته سرکوب می نماید. امپریالیستها که خود با بستن مرزهای خویش و تقویت تولید داخلی به یاری سرمایه گذاری ها و حمایت های کلان دولتی تقویت شده و امکان رقابت در سراسر جهان را پیدا کرده اند، همان راه تکامل را بر دیگران می بندند. همین امپریالیستها ... ادامه در صفحه ۷

همه ملت‌های ایران و همبستگی طبقاتی میان پرولتاریای این ملت‌ها برای آزادی ایران از دست همه طبقات استعمارگر صرف نظر از تعلقات قومی، مذهبی و ملی آنهاست. همه کارگران پیش آهنگ و همه مارکسیست-لنینیست ها، از هر ملیتی که باشند، باید در حزب واحد سیاسی طبقه کارگر ایران، در حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی گرد آیند. همه کارگران از هر ملیتی که باشند باید در سازمان صنفی واحدی با رهبری سازمان واحدی هدایت شوند. ما احزاب کمونیستی را بر اساس منافع طبقاتی و نه بر اساس منافع ملی محک می زنیم .

هفتم اینکه - حزب ما مبارزه برای تحقق خواست ملی و رفع ستمگری و تبعیضات ملی را موقوف به حل نهائی مسئله ملی نمی کند و در چارچوب حتا رژیم سرمایه داری حاکم نیز برای تقویت فرهنگ ملت‌های مختلف، توسعه و غنای آن مبارزه می کند.

حزب کار ایران (توفان) از هرگونه تلاش و مبارزه ای که موجب تضعیف ستم ملی گردد، حمایت می کند. حزب ما باید بر نقاط مشترک و ارتقاء سطح فرهنگی تکیه کند و نه بر تبلیغ نفرت ملی و دشمنی قومی.

هشتم اینکه - حزب ما تضاد اساسی و همچنین تضاد عمده جامعه ایران در شرایط کنونی را تضاد میان زحمتکشان و سرمایه داران دانسته و حل سایر تضادهای موجود را از طریق حل مسئله

پیرامون مسئله ملی در ایران ...
حکومت‌های سرکوبگر با ترکیبی از ملت‌های گوناگون ایران بوده اند و نه فقط از یک ملیت خاص. ریشه سرکوبگری آنها نه در تعلقات ملی افراد، بلکه در مخالفت مردم از هر قوم و ملیتی با حکومت‌های مستبد و ضد دمکرات و وابسته به امپریالیستها بوده است. در ایران هیچکس را صرفاً به خاطر تعلقات ملی تحت پیگرد قرار نمی دادند و نمی دهند، ولی هر کس را که در مقابل این حکومت صرفنظر از تعلق ملی اش زبان به اعتراض بگشاید مورد سرکوب قرار می دهند.

چهارم اینکه - ملت های ایران قرن‌هاست که در کنار هم زیسته با دشمنان داخلی و خارجی در کنار هم جنگیده، در راه پاسداری از میهن در کنار هم قربانی داده اند. همه ملت‌های ایران بطور عمده تاریخ دیرینه و مشترکی دارند. ریشه های بسیار نیرومندی آنها را بهم پیوند داده است و می دهد. کشور ایران تاریخاً از همزیستی مسالمت آمیز چندین ملت شکل گرفت. در ترکیب ملی جامعه ایران، هرگز رابطه استعمارگر و استعمار شده بین اجزاء برقرار نبوده است. میهن ما ایران هرگز تاریخاً زندان ملل و محصول به اسارت کشیدن سایر ملل توسط ملت خاصی نبوده و نیست. هم اکنون همه ملت‌های ایران از دشمن واحدی رنج می برند و در جبهه واحدی در مبارزه اند. حفظ و تحکیم اتحاد ملت‌های ایران، با مبارزه متحد علیه ارتجاع جمهوری اسلامی و ایستادگی در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم و استعمار جهانی ملازمه دارد.

پنجم اینکه - حزب ما طرفدار وحدت و تساوی حقوق ملت‌های ایران، طرفدار وحدت دمکراتیک آنها است. ما با هر گونه ستم و تحمیل بر هر یک از ملت‌های ایران در هر زمینه ای که باشد مخالفیم و علیه آن مبارزه می کنیم. به عقیده ما فقط تساوی کامل حقوقی است که می تواند ملت‌های ایران را در مبارزه با عفریت داخلی و خارجی، در استقرار حکومتی

نوین و مردمی و سپس در چارچوب آن حکومت، براساس اصل داوطلبی متحد سازد. نفی وجود مسئله ملی و انکار موجودیت ملت‌ها با هر انگیزه خیرخواهانه ای که باشد، وحدت و یکپارچگی خلق‌های ایران را به ارمغان نخواهد آورد.

ششم اینکه - به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها حتا تا سرحد جدائی از ایران، هرگز به معنی پشتیبانی از هر حرکت جدائی طلبانه نخواهد بود. ما از آن حق جدائی دفاع می کنیم که به نفع منافع طبقاتی پرولتاریا و سوسیالیسم باشد. از این روی به رسمیت شناختن یک حق هرگز به این مفهوم نیست که مارکسیست لنینیست‌های ایران باید به مبلغ جدائی و تجزیه ملی بدل شوند. کمونیست‌های ایران همواره باید مدافع وحدت طبقه کارگر ایران، حزب واحد طبقه کارگر ایران، جبهه واحد همه مردم ایران برای تحقق دموکراسی و حقوق اجتماعی باشند. در دوران امپریالیسم حل مسئله ملی دارای مضمون مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری می باشد. تکیه بر جدائی ملی و تبلیغ آن در دوران کنونی جهان به مفهوم دارا بودن یک درک به شدت ارتجاعی و در خدمت امپریالیسم جهانی است. این درک از جانب برخی محافل ناسیونال شونیستی تبلیغ می شود و حکومت دست نشانده خودمختار کردستان عراق به رهبری دست سعود بارزانی و یا جمهوری آذربایجان الهام بخش آنهاست. وظیفه حزب ما تبلیغ وحدت

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



عمده مناسبات حاکم در ایران در عرصه اقتصادی و سیاسی ممکن می داند. حزب ما برای یک وحدت دمکراتیک و آگاهانه مبارزه کرده و باین جهت با اشاعه نفرت ملی که یک دسیسه امپریالیستی-صهیونیستی است مبارزه می کند.

حزب ما برای حل مسئله ملی در ایران و منزوی کردن ناسیونال شونیستها و افشاء چهره برتری جوئی ملی آنها، که خود را مدافع حقوق خلق‌های ایران جا می زنند، طرح جمهوری های سوسیالیستی ایران در نظام آتی را در گنجره ۴ به تصویب رسانید، که تکیه را بر مبارزه مشترک و نه دشمنی ملی می گذارد. ما بر آنیم که رفقای انقلابی و کمونیستی که به ملت‌های معینی تعلق دارند، باید در مقابل این ناسیونال شونیستها قد علم کنند و با ابتکار و فعالیت خویش به زبان خواسته های این خلق‌ها بدل شوند. حزب ما از این طریق بهتر خواهد توانست با تقویت نیروهای کمونیست، انقلابی و مترقی در مقابل جریان‌های مشکوک ناسیونال شونیستی به مقابله پردازد و مانع شود که آنها خود را به عنوان نمایندگان خلق تحت ستم مشخصی معرفی کرده و جا بزنند.

حزب ما که نقطه نظرات خویش را بارها در مورد حل مسئله ملی در ایران ابراز داشته بر این نظر است که جریان‌های ناسیونال شونیستی، ماهیتاً ارتجاعی و وابسته به محافل امپریالیستی بوده و باید به شدت با آنها مبارزه کرد. رشوه دادن به

حاکمیت رویزیونیسم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

ابزارهای نفوذی استعماری...

که این چنین خواهان "آزادی تجارت" هستند، هر جا و هر موقع که در "تجارت آزاد" به رقابت با کالائی که از کیفیت بهتر و بهای مناسبتری از تولیدات آنها برخوردار است، مواجهه شوند فوراً سدهای گمرکی را به بلندی دیوار چین بدور کشور خویش می کشند تا از تولیدات داخلی خویش حمایت کرده باشند. لائائی "آزادی تجارت" آزادی تجارت یک جانبه به سود خویش و به ضرر دیگران است و یک نغمه اسارت آور برای سایرین است، تا آنها را به خواب استعماری فرو برند.

این "سازمان تجارت جهانی" از همان آغاز تأسیس اش تحت کنترل و نفوذ امپریالیسم آمریکا قرار داشت. انحصارات امپریالیستی مترصدند با تحمیل شرایط عضویت، نظیر "لغو قوانین ملی" که مانع تجارت آزاد در بازارهای داخلی آنها هستند، و یا "تعدیل تعرفه های گمرکی"، "قبول استانداردهای تعیین شده"، "بی توجه ای به قوانین حفاظت از محیط زیست" و ... ، بازار و اقتصاد ملی آنها را هر چه بیشتر تحت سلطه خویش در آورند، در واقع بسیاری از کشورهای عضو این سازمان در بخش تولید، تجارت و مالی تحت کنترل و نظارت انحصارات قرار گرفته اند یا می گیرند به قسمی که استقلال سیاسی آنها نیز به خطر خواهد افتاد.

برنامه های "سازمان تجارت جهانی" طوری است که از طریق آن کشورهای امپریالیستی می توانند خواست های شرکت های خود را به کرسی بنشانند. این سازمان به صورت دستگاهی در آمده است که به کمک این ساختار اداری، انحصارات بزرگ و دولت های امپریالیستی می توانند به صورت

قانونی، مبادله کالا و انتقال سرمایه های پولی در همه کشورها را در ید اختیار خویش بگیرند و کشورهایی که عضویت در این سازمان را می پذیرند از نظر اقتصادی در همه زمینه های تجاری، تولیدی، و مالی تحت کنترل و نظارت کامل انحصارات بزرگ و دولت های سرمایه داری استعماری قرار دهند. هیچ کشوری به اندازه ایالات متحده آمریکا در استفاده از "سازمان تجارت جهانی" برای گشودن بازارهای خارجی و دفاع از صنایع داخلی اش فعال نبوده است. این سازمان بدون توجه به حقوق کارگران و حفظ محیط زیست، از قدرت خود برای واداشتن کشورها (از جمله خود دولت آمریکا و به نفع کنسرنهای فراملیتی) به فسخ سایر موافقت نامه ها و لغو قوانین ملی استفاده می کند، با این استدلال که چنین "محدودیت هایی" موانعی در مقابل تجارت جهانی و در تناقض با موافقت نامه های آمریکا با "سازمان تجارت جهانی" هستند. روشن است که این نهاد استعماری سکوی پرشی است که از طریق آن کشورهای امپریالیستی می توانند خواست های کنسرنهای امپریالیستی را به کرسی بنشانند. مواضع سیاسی و اقتصادی آنها نشان می دهد که این نهاد دارای ماهیت استعماری بوده و بر ضد حقوق کارگران، خلق های جهان و محیط زیست است.

امیدواری نسبت به...

مشخص دولت سوریه- محق است با این اقدام موافقت کند. برای اینکه جلوی این تصمیم دولت سوریه گرفته شود، شورای امنیت سازمان ملل در ۱۴ ژوئیه قطعنامه ای را به شماره ۲۱۶۵ به تصویب رسانید که در آن

ادعا شده است به این موافقت "نیازی نیست". دولت سوریه نگران است که همراه با کمک های غذایی، محموله های ارسالی تسلیحات، فشنگ و جنگنده های جدید به بخش شرقی شهر وارد شوند. این امر یک بار بعد از آغاز توافق آتش بس آخری میان آمریکا و روسیه در فوریه ۲۰۱۶ رویداده است و هزاران جنگنده و اسلحه از ترکیه به حلب و به منطقه ادلیب وارد شده است. "نیروهای دفاعی متشکل از غیر نظامیان سوریه" و بهتر بگوئیم معروف به "کلاه سفیدها"، نامشان برای دریافت جایزه صلح مطرح گردیده است. این گروه به عملیاتی دست می زند که تماماً در منطقه کنترل سایر گروه ها قرار دارد. راند ال-صالح رهبر "کلاه سفیدها" از شورای امنیت سازمان ملل مکرراً درخواست کرده است که به ایجاد یک "منطقه پرواز ممنوعه" رای دهد تا از این طریق به کار این گروه کمکی شود.

ایالات متحده آمریکا که بر اساس ادعای وزارت خارجه آمریکا به این گروه ۴۰ میلیون دلار از طریق سازمان دولتی "آید" (Aid) کمک مالی کرده است، با وجود این امر، از ورود ال-صالح در ماه آوریل به آمریکا بخاطر دریافت جایزه برای اقداماتش، ممانعت کرده است. استدلال آنها در مورد ممنوعیت ورود وی این است که ال-صالح "احتمالاً با گروه های افراطی ارتباط" دارد.

این ادعا را فیلمهایی از عملیات این گروه تائید می کنند. مثلاً تصاویری منتشر شده اند که در آنها "کلاه سفیدها" برای جهادیستهای "النصر" ابراز احساسات می نمایند. (یونگه ولت ۲۱/۲۰ اوت ۲۰۱۶). حال تو خود حدیث مفصل به خوان از این مجمل.

(مقالات توفان الکترونیکی شماره شهریور ماه ۱۳۹۵ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

- چند یاد داشت کوتاه درمورد اوضاع کنونی ایران

- مصاحبه با هوشمند حسنی ، کارگر با تجربه و قدیمی در جنبش کارگری ایران در مورد وضعیت کنونی کارگران.

- اتکاء به امپریالیسم آمریکا برای کسب حقوق دمکراتیک ، فاجعه است.

"از تجربه خونین ۲۸ مرداد بیاموزیم"

بوی کباب و تعفن ناسیونال شونیسم-مصطفی هجری رهبر حزب دمکرات کردستان از اسرائیل تقاضای پول و حمایت سیاسی کرد

- اعدامهای جنایتکارانه در زندان رجایی شهر کرج را محکوم میکنیم

یادی از رفیق منصور مختاری

گشت و گذاری در فسیبوک . پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۵ سپتامبر

۲۰۱۶

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

https://twitter.com/toufanhezbkar

https://www.facebook.com/toufan.hezbekar

https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

امیدواری نسبت به مهلت تنفس

مقاله ای را که در زیر با عنوان "امیدواری نسبت به مهلت تنفس" می خوانید، گزارشی از دمشق است که خبرنگار نشریه "یونگه ولت" خانم "کارین لویکه فلد" ارسال داشته است. این مقاله بدون هر تفسیری به قدری گویاست که باید موجبات شرم همه ریکاران امپریالیسم قرار گیرد. این مقاله نشان می دهد که امپریالیسم ناتو با چه وقاحتی در مورد سوریه دروغ می گوید، زور می گوید و جان مردم این کشور برایش کوچکترین ارزشی ندارد. آنها جان انسانها را وسیله ای کرده اند تا به تحقق سیاستهای تجاوزکارانه و مداخله گرانه خویش تحقق بخشند. کسانی که تا دیروز این گرازهای آدمخوار داعشی را از سراسر جهان جمع آوری کرده و با برنامه ریزی و تسلیح آنان به سوریه می فرستادند و سر بریدن و کشتار مردم سوریه را توسط آنها پنهان می کردند، از گاز سمی در جنگ استفاده می کردند و خود قاتل هزاران کودک فلسطینی هستند، حال که کار این قاتلان غربی دارد به انتها می رسد بیکباره بشر دوست از کار در آمده و از این آدمکشان در قالب "مردم غیر مسلح" که به دست بمباران روسها و بشار اسد کشته می شوند، به دفاع برخاسته اند. تصاویر ساختگی و یا شاید هم واقعی که تا دیرزو ارزش انتشار نداشتند و حالا دارند منتشر می کنند تا برای جنایات خویش و کشتن هزاران کودک دیگر سوریه و لبنانی و فلسطینی توجیه بیافرینند. تو گویی جنگ ۶ ساله از زمان شکست داعش در حلب شروع شده است. نکته دیگر سکوت و یا دروغهای مطبوعات "دموکراتیک و آزادیخواه" غربی است که بر همه جنایات داعش و اربابان آنها پرده ساتر می کشد، اربابانی که حتی ارگانهای سازمان ملل متحد را در دست گرفته اند تا بر ضد ملل انجام وظیفه کنند.

"بعد از اینکه مامور ویژه سازمان ملل متحد مسئول امور سوریه، اشتافان د میستورا (بخوانید عامل نقابدار داعش-توفان)، به عنوان اعتراض به ادامه جنگ در حلب، برگزاری نشست ممالک عضو "گروه های بین المللی حامی سوریه" (ISSG)، مرکب از گروه های عملیاتی برای امدادهای بشر دوستانه، در ژنو را در چهارشنبه گذشته به آینده موکول کرد، به نظر می رسد یک آتش بس ۴۸ ساعته برای شهر حلب که از ۴ سال به این طرف بر سرش جنگیده می شود به چشم می خورد.

سخنگوی وزرات دفاع روسیه ایگور کناشونکوف در روز پنجشنبه در مسکو اظهار داشت روسیه برای یک "پروژه آزمایشی" که در هفته آینده می تواند شروع بشود آماده است. در یک مهلت تنفسی انسانی ۴۸ ساعته، باید مردم شهر از نظر غذایی تامین شوند. صنایع حیاتی زیربنایی که توسط حملات نیروهای مسلح نابود شده اند، می توانند تعمیر شوند. دو بار این "شورشیان میانه رو" قبلا تامین برق را که برای بکار انداختن پمپهای آب در حلب لازم بوده اند، منهدم ساخته اند. حکومت سوریه آتش بس را پذیرفته است. کناشونکوف ابراز داشت، حال باید "همکاران آمریکا" موافقت خود را اعلام دارند. و همچنین باید این "به اصطلاح اپوزیسیون میانه رو و سایر واحدهائی که در جنگ بر ضد ارتش سوریه در حلب شرکت دارند" موافقت خود را اعلام کنند. کمکهای غذایی مطابق نظر د میستورا باید همزمان در تمام شهر تقسیم شوند. کمک برای بخش غربی شهر باید از طرف حکومت سوریه که این منطقه را کنترل می کند، حمل شود. کمک برای بخشی از شهر که زیر کنترل "شورشیان میانه رو" است همانگونه که تا کنون انجام شده، باید از شهر قاضیان تپه در ترکیه بیاید، این کمکها از طریق وسایل نقلیه سازمان ملل متحد از این مرز ارسال می شوند. این منطبق است با مداخله انسانی در یک کشور مستقل که بر اساس حقوق ملل- و در این مورد... ادامه در صفحه ۷

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 198 Sept. 2016

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار اوضاع جهان بخش نخست ایران.

ابزارهای نفوذی

استعماری امپریالیسم

سازمان تجارت جهانی WTO

سازمان تجارت جهانی که از آزادی تجارت در جهان دم می زند، هدفش تسخیر بازارهای سایر کشورهاست که در عرصه تولید کالا از آن توانائی های لازم کشورهای پیشرفته برخوردار نبوده و قادر به رقابت آزادانه با آنها نیستند. سازمان تجارت جهانی قانونهائی را به عنوان "احترام به آزادی" به ممالک غیر پیشرفته و یا کمتر پیشرفته تحمیل می کند که این ممالک عملا به زیر سلطه اقتصادی ممالک امپریالیستی رفته و هرگز قادر نخواهند شد صنایع ملی و داخلی خویش را توسعه دهند و خود را به کاروان تحولات جهانی برسانند. اگر امپریالیسم آمریکا در عرصه نظامی برای برتری خویش نظریه "عملیات بازدارنده" را می آفریند، همین روش را ... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany